

نبرد خیر و شر

حضرت علی (ع) و نبرد او با دیوان و ارژدهایان

○ هلناشین دشتگل

این روایات و داستان‌ها به سبب دارا بودن نمادهای تصویری و جنبه‌های تشبیهی و خارق‌العاده موجب شد که نگارگران از ویژگی‌های اساطیری و همچنین تزیینی عناصر داستان برای نشان دادن مظاهر خیر و شر بهره ببرند





درمی آید و حوادثی ایجاد می‌نمایند. مفاهیم شر مانند: حرص و آز، تباهی و تاریکی، سرمای سخت و نظایر آنها هر یک نگهبانی از دیو دارد.»^۱

اژدها نیز، هیولایی افسانه‌ای است به شکل خزنده‌ای با بال‌های فراخ و چنگال‌ها و دندان‌های رعب‌انگیز و در بیشتر مواقع شعله‌های آتش از دهان آن بیرون می‌چهد و برخی نیز از دهان او به عنوان دروازه جهنم یاد می‌کنند تا به این وسیله ژرفای پلیدی و ناهنجاری را منعکس سازند.

نقش اژدها به عنوان نیروی اهریمنی است. در کلیه روایات، «اهریمن به تباہ ساختن جهان خیر می‌کوشد و در ادب فارسی به عنوان مظهر شرارت و زشتی، در برابر ایزدان و گاهی با الهام از اندیشه‌های سامی به جای ابلیس و در برابر فرشتگان معرفی شده است.»^۲

به همین جهت علی (ع) که صفات خیر و نیکی را به همراه دارد، اژدها را مانعی در برابر اندیشه‌های ایزدی می‌داند و بر آن فائق می‌آید و جدال او با این موجود اهریمنی به دلیل نیک‌خواهی برای بندگان است تا در آسودگی خاطر زندگی کنند.

حضرت علی (ع)، دُلُّل و ذوالفقار نشانه‌هایی از مظاهر خیر هستند.

ذوالفقار، تنها شمشیری است که دو سر دارد و دارای نیروی معجزه‌آسایی است و متعلق به حضرت امیر می‌باشد. و در روایتی است که «جبرئیل آن را از بهشت برای حضرت علی (ع) می‌آورد.

برابر او ایستاد و آتش باریدن گرفت و هرچند آتش بارید، ذوالفقار

به کام کشید، یکدفعه صدای رعد و برق بلند شد، از میان رعد و برق صدایی بلند شد که سوختم و بعد دیدند که یک پیر ساحری آنجا سوخته و علامت قلعه هم برطرف شده»^۳

آنچه از متن روایات و داستان‌ها پیداست جدال میان دو قوای خیر و شر است و بیانگر این است که علی (ع) انسان آرمانی و حماسه‌ای است که در غالب پهلوانی در صحنه وسیع نبرد نیکی و بدی نمودار می‌شود و هنرمند او را با بیانی زیبا به تصویر می‌کشد.

در این داستان‌ها نمادهای

تصویری خیر و شر عبارتند از: حضرت علی (ع)، دُلُّل، ذوالفقار، دیو و اژدها. برای وصف پلیدی، تاریکی و نیروهای قوای نفس از دیوان و اژدهایان که موجوداتی دوزخی هستند و حاصل اندیشه سمبلیک انسان می‌باشند استفاده شده است.

مطابق روایات «دیوان موجوداتی زشت‌رو، شاکدار و حيله‌گرد که از خوردن گوشت آدمی روی‌گردان نیستند و اینان اغلب سنگدل و ستمکارند و از نیروهای عظیمی برخوردارند، تغییر شکل می‌دهند و در انواع افسونگری، چیره‌دستند. در داستان‌ها به صورت‌های دلخواه

«علی (ع) مظهر رب‌النوع انواع گوناگون عظمت‌ها، قداست‌ها، زیبایی‌ها و احساس‌های مطلق است. از آنگونه مطلق‌هایی که بشر همواره دغدغه دیدن و پرستیدنش را داشته، و هرگز نبوده، و معتقد شده بود که ممکن نیست در کالبد یک انسان تحقق پیدا کند، و ناچار می‌ساخته است.»^۴

علی (ع) که مظهر خیر و فداکاری و دلاوری و سرشار از زیبایی‌های معنوی است علیه دنیایی که در آن قوای شر زندگی می‌کند قیام کرده و مردم را از گمراهی و تاریکی و وسوسه نیروهای اهریمنی به سعادت و بهشت جاویدان هدایت می‌کند. او خیر کاملی است که علیه شر (دیوان و اژدهایان) قیام می‌کند.

باستانی پاریزی در کتاب «اژدهای هفت‌سر» داستانی کوتاه از اژدهایی نقل می‌کند «که به اعتقاد مردم هنگو، (روستایی در نزدیکی پاریز کرمان) در این روستا می‌زیسته است و به دست حضرت علی (ع) سنگ شده (... نیروی غیبی مدد کرد، مولا با ذوالفقار، سر رسید، بی‌امان شمشیر را حواله اژدها کرد، فریادی سهمگین برخاست، اژدهای درنگ به سنگ تبدیل شد...»^۵

«خاوران‌نامه» نسخه خطی و مصوری است که به شرح دلاوری‌های حضرت علی (ع) در سرزمین خاور می‌پردازد و در آن داستان‌های خیالی و صحنه‌های پیکار علی (ع) با دیوان و اژدهایان، به تصویر کشیده شده که به صورت نمادی از نیروهای فاسد و پلید در داستان جلوه می‌کند. در قسمتی از داستان، جدال علی (ع) و اژدها را چنین می‌خوانیم:

«اما چند کلمه از جناب مولا بشنو که از سر «پنج راه» با قنبر، از طلوع صبح روان شدند، اما رسیدند به پای قلعه... صدا از اژدها بلند شد که آدمیزاد به کجا می‌آیی، قنبر ترسید، مولا ذوالفقار را انداخته، چرخي زد، آنهم به صورت اژدهایی شد و



مانده پوشیده اختر تیغش
برگ انجیر بر تشش بستند
سبز از آن گشت منظر تیغش
در جایی دیگر، باز تیغ و غلاف آن در ارتباط با گوشه‌ای از داستان آدم توصیف شده است. آهن تیغ ممدوح همسال آدم است، غلافش حله‌ای است که آدم در بهشت به تن داشت، و نقطه مروراید بر این غلاف شیر حواست که بر حله آدم ریخته است.»^۶

دُلْدُل، مرکب حضرت علی (ع) است که «بنا بر روایات شیعی حضرت رسول او را با چند اسب دیگر و الاغ مخصوص خود به امیرالمؤمنین علی (ع) بخشید که در جنگها بر آن سوار شوند. دلدل در ادب فارسی به نام اسبی پرآوازه و خوشنام و مظهری از نیکبها معرفی شده است.»^۷

و علی (ع)، انسانی مبارز، فداکار، تسلیم‌ناپذیر و سمبلی از خیر و صلاح و تمامی خوبی‌هاست و در مقابل موجوداتی که به عنوان مظهر فساد و ویرانی‌ها است قرار می‌گیرد. نگارنده در اینجا با بیان اساطیری، از این تضاد شخصیت‌های داستانی استفاده می‌کند تا معنای حق و باطل را در عصر خود نشان دهد.

این روایات و داستان‌ها به سبب دارا بودن نمادهای تصویری و جنبه‌های تشبیهی و خارق‌العاده موجب شد که نگارگران از ویژگی‌های اساطیری و همچنین تزیینی عناصر

نگاره‌های اسلامی ترک و عرب نیز از این قاعده بی‌بهره نبوده و نبرد حضرت امیر با دیوان و اژدهایان را به کرات تصویر کرده‌اند، که از لحاظ انتخاب موضوع یکسان، ولی به لحاظ شیوه و فن کار تفاوت‌های آشکاری به چشم می‌خورد

داستان برای نشان دادن مظاهر خیر و شر بهره ببرند. نگارگران کهن از این نمادها به خوبی استفاده کرده و به تصاویر خود غنای خاصی بخشیدند. بازتاب تصویری این ارتباط را به گونه‌ای می‌توان در چند نگاره که منسوب به فرهاد است و برگی از خاوران نامه‌ی ابن‌حسام می‌باشد، مشاهده کرد. حضرت علی (ع) و نبرد او با اژدها، موضوعی است که نگارگر با ذوق به آن پرداخته است. صحنه‌ای که در آن نبردی صورت گرفته و علی (ع) که پهلوان حماسه‌ای این نگاره می‌باشد سوار بر دُلْدُل صورتی رنگ در مرکز صحنه نشان داده شده، حضرت عمامه سفید بر سر دارد و سر ایشان از حدود شانه‌ها در هاله‌ی طلایی به صورت شعله‌های بلند پوشیده شده و حالت روحانی و الهی به او داده است. چین و چروک لباس‌ها، با خطوط نازک ترسیم شده، رنگ، به صورت تخت و بدون سایه - روشن عامل مهمی جهت غنا بخشیدن زیبایی نگاره شده است.

گل و بته‌های تزیینی نقش بسزایی در پر کردن فضا دارد. زمین پر از گل، یکی از ویژگی‌های مکتب شیراز است و نشان‌دهنده‌ی جهان آرمانی نقاش می‌باشد. همه چیز در نهایت زیبایی ترسیم شده است. تمامی فضایی که نمایشگر آسمان است یکسره به رنگ آبی دیده می‌شود. و ابر در حالت و رنگ غیرطبیعی و به شیوه ابر چینی نمایان شده است. در پشت تپه نارنجی رنگ، سپاهیان در دو طرف نگاره و بالای صحنه به چشم می‌خورند که علاوه بر ایجاد تقارن نظاره‌گر این ستیز می‌باشند. چهره‌هایشان عموماً به یک شکل ترسیم شده است. اژدها که دارای تزییناتی می‌باشد و بالک‌هایی نیز به دنبال دارد با دهانی باز و پیچشی در بدن قسمت پایین صحنه و

سرتاسر آن را پوشانیده، سر اژدها به جانب حضرت علی (ع) برگشته و حضرت، ذوالفقار خود را بر فرق اژدها نشانه رفته است.

در نگاره‌های دیگر، جدال میان علی (ع) و دیوان به طرز زیبایی به نمایش درآمده است. در محل وقوع حادثه، صحنه به شکل یک نیم‌دایره ترسیم شده و به رنگ سبز تیره، همراه با تزیینات گل و بته که از متن پشت جدا گردیده است.

سپاهیان همراه با کلاه خود و با لباس‌های رنگین در سمت راست نگاره نظاره‌گر نبرد می‌باشند. در اینجا ناظران، ارتباط بین صحنه ستیز و فضای اطراف را برقرار می‌کنند. فضای خالی نگاره با گیاهان، آن هم از نوع تزیینی و قراردادی پر شده است.

حضرت علی (ع)، با لباسی به رنگ طلایی و دستاری به رنگ قرمز، عمامه سفید بر سر که هاله‌ی آتشین آن را احاطه کرده است همراه با ذوالفقار را که در دست راست او تشعشعاتی به رنگ طلایی و قرمز دارد و نشان از خاصیت معجزه‌آسایی شمشیر دو سر اوست به جانب دیوان که در سمت چپ نگاره ترسیم شده‌اند نشانه رفته است.

در اینجا دیوان با چهره‌ای زشت و رعب‌انگیز و شاخی بر سر مشاهده می‌شوند.

همه‌ی اینها نمونه‌ای است از درگیری وسیع و حماسه‌ای پرشور میان حضرت امیرالمؤمنین (ع) و دیوان و اژدهایان که مصداق‌های مظاهر خیر و شر هستند.

این موجودات که حاصل اندیشه سمبلیک انسان می‌باشند، در اساطیر صورتی زشت و ترسناک پیدا می‌کنند تا صفات پلیدی و اهریمنی را بهتر نمایان سازند.

اشاراتی که از این موجودات رفته است و تصاویری که هنرمندان از آن به یادگار گذاشته‌اند، تقریباً همگی به یک شکل می‌باشند. نگاره‌های اسلامی ترک و عرب نیز از این قاعده بی‌بهره نبوده و نبرد حضرت امیر با دیوان و اژدهایان را به کرات تصویر کرده‌اند، که از لحاظ انتخاب موضوع یکسان، ولی به لحاظ شیوه و فن کار تفاوت‌های آشکاری به چشم می‌خورد. به هر حال نقاش صحنه‌ای را به تصویر می‌کشد که با توجه به موضوع موردنظر، جدال تمامی خیرها و تمامی شرهاست و در نهایت منجر به پیروزی تمامی خیرها می‌شود و درحقیقت تعبیری است از کشمکش انسان برای نیل به کمال مطلوب، که بیننده‌ی اثر را در توجه به امور ماورای عالم خاکی یاری می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - شریعتی، علی: اسطوره‌ای از تاریخ، انتشارات بعثت چاپ سعیدنوه، بدون تاریخ، ص ۵۳.
- ۲ - رستگار، منصور، اژدها در اساطیر ایران، ص ۲۷۷.
- ۳ - همان مأخذ، ص ۲۷۸.
- ۴ - یاحقی، محمدجعفر. فرهنگ اساطیر ایران و اشارات داستانی در ادب فارسی، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۲۰۱.
- ۵ - همان مأخذ، ص ۱۱۰.
- ۶ - پورنامداریان، تقی. داستان پیامبران در کلیات شمس، جلد اول، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۷، ۱۷.
- ۷ - یاحقی، محمدجعفر. فرهنگ اساطیر ایران و اشارات داستانی در ادب فارسی، ص ۱۹۵.

